

بررسی نقش آموزگاران زن در پذیرش نقش‌های اجتماعی

دانش‌آموزان پسر در دبستان‌های اردبیل

رقیه علیزاده - آموزگار و پژوهشگر

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزگاران زن در فرایند پذیرش نقش‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان پسر در دبستان‌های شهر اردبیل انجام شده است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی به تحلیل ادراکات و تجارب زیسته معلمان زن می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزگاران زن، به‌عنوان کنشگران اصلی در فرایند جامعه‌پذیری، نقشی دوگانه ایفا می‌کنند: از یک‌سو، تحت تأثیر الگوهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی رایج، به بازتولید نقش‌های سنتی مردانه در کلاس درس می‌پردازند و از سوی دیگر، برخی از آنان با آگاهی از این چالش، تلاش در جهت ایجاد نقش‌های نوین و برابر جنسیتی دارند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی و معلمان در جهت ایجاد محیط‌های یادگیری عادلانه‌تر و کاهش تبعیض‌های جنسیتی در نظام آموزشی مفید واقع شود.

واژگان کلیدی: نقش‌های جنسیتی، آموزگاران زن، دانش‌آموزان پسر، دبستان، جامعه‌پذیری، اردبیل.

مقدمه

دوره دبستان، حساس‌ترین مرحله برای شکل‌گیری هویت اجتماعی و جنسیتی کودکان است. در این دوران، دانش‌آموزان نه تنها مهارت‌های تحصیلی را می‌آموزند، بلکه نقش‌های اجتماعی خود را نیز درک و درونی می‌کنند. مدرسه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیری، نقشی محوری در این فرایند ایفا می‌کند. در این میان، آموزگاران به‌عنوان الگوهای رفتاری برای دانش‌آموزان، تأثیر شگرفی بر شکل‌گیری نگرش‌ها و باورهای آنان درباره نقش‌های جنسیتی دارند.

در نظام آموزشی ایران، به‌ویژه در دوره ابتدایی، آموزگاران زن سهم عظیمی از کادر آموزشی را به خود اختصاص داده‌اند. حضور پررنگ این معلمان در کلاس‌های درس پسرانه، پرسش‌های مهمی را درباره تأثیر آنان بر جامعه‌پذیری جنسیتی پسران مطرح می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده است که معلمان، آگاهانه یا ناآگاهانه، تحت تأثیر الگوهای فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی رایج در جامعه، رفتارهای دانش‌آموزان را تفسیر و هدایت می‌کنند و این ادراکات به نوبه خود منجر به بازتولید نابرابری‌های جنسیتی در فرایند یاددهی-یادگیری می‌شود.

پژوهش حاضر با تمرکز بر شهر اردبیل، به دنبال آن است که نقش آموزگاران زن را در پذیرش نقش‌های اجتماعی توسط دانش‌آموزان پسر در دبستان‌ها مورد بررسی قرار دهد. اردبیل با داشتن بافت فرهنگی خاص خود، می‌تواند زمینه‌های جدیدی برای مطالعه این موضوع فراهم آورد.

مبانی نظری

نقش‌های جنسیتی و جامعه‌پذیری: نقش‌های جنسیتی، به‌عنوان مجموعه انتظارات مشترک یک جامعه درباره رفتارها و فعالیت‌های متناسب با دختران و پسران تعریف می‌شوند. این نقش‌ها از طریق فرایند جامعه‌پذیری در نهادهای مختلفی چون خانواده، مدرسه و رسانه به افراد منتقل می‌شوند. مدرسه از طریق فعالیت‌های آموزشی، گفتمان‌ها و تعاملات رسمی و غیررسمی، نقش مهمی در شکل‌دهی و بازتولید این نقش‌ها ایفا می‌کند.

نظریه اجرای جنسیت (Gender Performativity): نظریه جودیت باتلر، جنسیت را نه به‌عنوان یک هویت ثابت، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از اجراها و کنش‌های تکراری در نظر می‌گیرد که از طریق آنها فرد به‌عنوان موجودی جنسیتی ساخته می‌شود. در این دیدگاه، مدرسه و معلمان به‌عنوان کنشگرانی عمل می‌کنند که از طریق تشویق یا تنبیه برخی رفتارها، اجرای جنسیتی خاصی را تثبیت می‌کنند. بنابراین، معلمان نقش مستقیمی در تقویت یا تضعیف کلیشه‌های جنسیتی دارند.

نقش معلمان در بازتولید یا تغییر نقش‌های جنسیتی: تحقیقات نشان می‌دهد که معلمان می‌توانند از دو مسیر متفاوت در قبال نقش‌های جنسیتی عمل کنند. گروه نخست، نقش‌های سنتی را بازتولید می‌کنند. این معلمان با انتساب فعالیت‌های فنی و علمی به پسران، فعالیت‌های ظریف و هنری به دختران، و تعاملات ترجیحی با پسران، به تثبیت کلیشه‌ها دامن می‌زنند. گروه دوم، رویکردی نوین دارند و تلاش می‌کنند با آگاهی از توانایی‌های فردی دانش‌آموزان و ایجاد انتظارات برابر، به شکل‌گیری نقش‌های فراجنسیتی کمک کنند. این رویکرد نوین، پتانسیل تحول‌آفرین معلمان را برای کاهش تبعیض جنسیتی نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع که به بررسی عمیق تجارب و ادراکات معلمان می‌پردازد، رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی برای این پژوهش انتخاب شده است. این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد تا به درک عمیقی از چگونگی درک و تفسیر معلمان از نقش خود در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی دانش‌آموزان دست یابد.

جامعه آماری و نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه آموزگاران زن شاغل در دبستان‌های پسرانه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ خواهد بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با معیارهای مشخص انجام می‌شود: داشتن حداقل ۵ سال سابقه تدریس در دبستان‌های پسرانه، تمایل به مشارکت در پژوهش، و تنوع در سن، پایه تحصیلی و منطقه جغرافیایی. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین می‌شود که معمولاً پس از ۱۵ تا ۲۰ مصاحبه عمیق حاصل می‌شود.

ابزار و روش گردآوری داده‌ها: ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق خواهد بود. سوالات مصاحبه حول محورهای زیر طراحی می‌شوند:

ادراک معلمان از تفاوت‌های جنسیتی در رفتار و توانایی‌های دانش‌آموزان پسر.

نحوه تخصیص فعالیت‌ها و نقش‌ها به دانش‌آموزان در کلاس درس.

مشاهده تعاملات معلمان با دانش‌آموزان و تشویق یا تنبیه رفتارهای جنسیتی.

آگاهی معلمان از تأثیر رفتار خود بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دانش‌آموزان.

علاوه بر مصاحبه، از مشاهده مشارکتی در کلاس‌های درس نیز برای تکمیل داده‌ها استفاده خواهد شد.

روش تحلیل داده‌ها: داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش کلایزی (Colaizzi) تحلیل خواهند شد. این روش شامل هفت مرحله است: ۱) خواندن مکرر داده‌ها، ۲) استخراج عبارات مهم، ۳) تدوین معانی از عبارات، ۴) دسته‌بندی معانی در قالب مضامین، ۵) توصیف جامع پدیده، ۶) ساختار بنیادین و ۷) اعتبارسنجی یافته‌ها.

یافته‌های مورد انتظار

با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش در قالب چهار مضمون اصلی ظهور یابند:

۱. بازتولید نظم جنسیتی در تعاملات آموزشی: این مضمون نشان‌دهنده آن است که معلمان، آگاهانه یا ناآگاهانه، کلیشه‌های جنسیتی را در کلاس درس بازتولید می‌کنند. مصادیق آن می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

تخصیص فعالیت‌های فنی به پسران: واگذاری فعالیت‌های علمی و آزمایشگاهی به پسران با این توجیه که آنان «قوی‌تر» یا «ماهرتر» هستند.

استفاده از شخصیت‌های مردانه در داستان‌ها: اختصاص نقش‌های قهرمانانه و مستقل به پسران در فعالیت‌های نمایشی و داستان‌پردازی.

تعاملات ترجیحی با پسران: برقراری ارتباط آسان‌تر و مثبت‌تر با پسران، که خود می‌تواند منجر به تقویت اعتماد به نفس و مشارکت بیشتر آنان در کلاس شود.

۲. عاملیت جنسیتی پسران در یادگیری: معلمان ممکن است به پسران فرصت‌های بیشتری برای ابراز وجود، مشارکت در بحث‌های کلاسی و انجام فعالیت‌های رهبری بدهند. این امر منجر به شکل‌گیری هویتی فعال و مستقل در پسران می‌شود که با نقش‌های سنتی مردانه همخوانی دارد.

۳. انعکاس تفاوت‌های جنسیتی در شایستگی‌ها: معلمان ممکن است با توجه به کلیشه‌های جنسیتی، شایستگی‌های متفاوتی را به پسران نسبت دهند. برای نمونه، آنها ممکن است هوش ریاضی یا توانایی‌های فضایی را به‌عنوان ویژگی برجسته پسران و مهارت‌های زبانی و هنری را به‌عنوان ویژگی‌های دختران در نظر بگیرند.

۴. بازتولید نقش‌های جنسیتی در انتخاب‌های تحصیلی و شغلی: معلمان ممکن است با معرفی مشاغل و مسیرهای تحصیلی متناسب با جنسیت، به شکل‌گیری انتظارات شغلی کلیشه‌ای در دانش‌آموزان کمک کنند. برای مثال، آنان ممکن است مشاغل فنی و مهندسی را برای پسران و مشاغل آموزشی و پرورشی را برای دختران مناسب‌تر بدانند.

هم‌زمان با این روندها، انتظار می‌رود که بخشی از معلمان، رویکردی نوین و تغییردهنده در پیش گیرند:

آگاهی‌بخشی نسبت به توانایی‌های فردی: برخی معلمان ممکن است تلاش کنند تا به دانش‌آموزان بیاموزند که توانایی‌ها ذاتی جنسیت نیستند و هر فردی می‌تواند در هر زمینه‌ای موفق شود.

انتظارات برابر از دختران و پسران: این معلمان، انتظارات یکسانی در مورد مشارکت و عملکرد همه دانش‌آموزان دارند و از تخصیص فعالیت‌ها بر اساس جنسیت خودداری می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که نظام آموزشی ایران، به‌ویژه محتوای کتب درسی، به بازتولید کلیشه‌های جنسیتی دامن می‌زند. تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که بیش از ۷۵ درصد تصاویر به مردان اختصاص دارد و زنان عمدتاً در نقش‌های سنتی و خانه‌داری به تصویر کشیده می‌شوند. این فضای جنسیتی‌زده، تأثیر خود را بر عملکرد معلمان نیز می‌گذارد.

با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزگاران زن، نقشی دوگانه در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی دانش‌آموزان پسر ایفا می‌کنند. از یک‌سو، آنها به‌عنوان بخشی از نظام آموزشی، تحت تأثیر کلیشه‌های رایج قرار دارند و به بازتولید نقش‌های سنتی مردانه کمک می‌کنند. این امر از طریق تخصیص فعالیت‌های خاص، تعاملات ترجیحی و ایجاد انتظارات متفاوت از پسران صورت می‌گیرد. تحقیقات نشان داده است که این رفتارها منجر به ایجاد نابرابری‌های جنسیتی در کلاس درس و تقویت تفکر قالبی در مورد نقش‌های اجتماعی می‌شود.

از سوی دیگر، گروهی از معلمان با رویکردی آگاهانه و انتقادی، تلاش دارند تا این کلیشه‌ها را به چالش بکشند. آن‌ها با ایجاد فضایی برابر و تأکید بر توانایی‌های فردی دانش‌آموزان، به شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی غیرکلیشه‌ای و عادلانه‌تر کمک می‌کنند. مطالعات اخیر نشان داده است که این رویکرد نوین، هرچند در میان درصد کمتری از معلمان دیده می‌شود، اما ظرفیت بالایی برای تحول در نظام آموزشی دارد.

نتایج این پژوهش با تحقیقات پیشین در این حوزه همخوانی دارد. مطالعاتی که در استان قزوین انجام شده نیز نشان می‌دهد که معلمان در مدارس مختلط، عمدتاً به بازتولید نقش‌های سنتی جنسیتی تمایل دارند و این امر در تخصیص فعالیت‌ها، تعاملات کلاسی و انتظارات تحصیلی مشهود است. همچنین پژوهشی دیگر نشان می‌دهد که معلمان زن در زندگی حرفه‌ای خود با محدودیت‌های جنسیتی مواجه هستند و این موضوع می‌تواند بر عملکرد آنان در کلاس تأثیر بگذارد.

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. آموزش و توانمندسازی معلمان: برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای معلمان با محوریت آگاهی‌بخشی در مورد کلیشه‌های جنسیتی و تأثیرات آن بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان ضروری است.

۲. بازنگری در محتوای کتب درسی: با توجه به اینکه پژوهش‌ها نشان داده است کتب درسی دوره ابتدایی، مملو از کلیشه‌های جنسیتی هستند، بازنگری اساسی در محتوای این کتاب‌ها با هدف ایجاد تصویری عادلانه و غیرتبعیض‌آمیز از نقش‌های اجتماعی ضروری است.

۳. ایجاد فضای گفتگو در مدارس: مدارس باید فضایی برای گفتگو و تبادل نظر در مورد نقش‌های جنسیتی فراهم آورند تا دانش‌آموزان بتوانند دیدگاه‌های مختلف را بشنوند و نسبت به کلیشه‌های جنسیتی آگاهی پیدا کنند.

۴. حمایت از معلمان پیشرو: از معلمانی که رویکرد نوین در برابر نقش‌های جنسیتی دارند، باید حمایت به عمل آید و تجارب آنان به عنوان الگوی موفق به سایر معلمان منتقل شود.

محدودیت‌ها

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که باید در نظر گرفته شوند. نخست، تمرکز پژوهش بر شهر اردبیل، تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر مناطق کشور محدود می‌کند. دوم، رویکرد کیفی پژوهش هرچند به درک عمیق پدیده کمک می‌کند، اما امکان سنجش کمی متغیرها را نمی‌دهد. سوم، مصاحبه‌های عمیق ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های اجتماعی و تمایل پاسخ‌دهندگان به ارائه تصویری مطلوب از خود قرار گیرد.

Echoes of Gender roles in the School Environment: A Phenomenological Study from Teachers' Perspectives. ۲۰۲۵. مجله مطالعات آموزش و یادگیری.

Alinia Moghadam, E., Dehghani, M., & Hakimzadeh, R. (۱۴۰۴). واکاوی ادراک معلمان از اجرای برنامه. درسی با تاکید بر نقش‌های جنسیتی در دوره ابتدایی. نظریه و عمل در برنامه درسی, ۱۳(۲۵), ۳۷-۶۰.

Semantic Representation of the Professional Life of Female Teachers Working in the elementary Schools: A Ethnographical Study. ۲۰۲۶. دانشگاه فرهنگیان.

United Nations. (۲۰۱۲). Islamic Republic of Iran: Gender discrimination in education. A/HRC/۲۰/NGO/۹۸.

فراهانی، ع.، نصر، ا.، & شریف، م. (۱۳۹۱). بررسی دیدگاه مدرسان، کارشناسان و مدیران مدارس درباره استفاده از معلمان زن در آموزش به دانش‌آموزان پایه‌های اول تا سوم مدارس ابتدایی پسرانه. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان, ۱۰(۲), ۱۳۵-۱۵۸.

Afshani, S. A., Askari, M., & Fazel, M. (۲۰۰۹). Reproduction of Gender Roles in Farsi Textbooks of Iranian Primary Schools.